

پیشگیری از تجاوز جنسی در حقوق ایران با مذاقه در سازوکارهای اعمال شده توسط نهادهای اجتماعی در این راستا^۱

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

ملیکا قرمزی

محقق و پژوهشگر

چکیده

تجاوز جنسی از شدیدترین اشکال خشونت جنسی و از جرایم مهم علیه حیثیت، امنیت و تمامیت جسمانی و روانی افراد است که آثار بلندمدت فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد. سیاست جنایی کارآمد در حقوق ایران برای مقابله با این پدیده، افزون بر ضمانت‌اجراهای کیفری، نیازمند تمرکز بر راهبردهای پیشگیرانه است؛ زیرا دشواری کشف، موانع گزارش‌دهی و پیامدهای بزه‌دیدگی ثانویه، کارایی پاسخ صرفاً کیفری را محدود می‌کند. این مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی، ضمن تبیین مفهوم پیشگیری از جرم در دو سطح مضیق و موسع، بر دو مدل اصلی پیشگیری از تجاوز جنسی یعنی «پیشگیری وضعی» (کاهش فرصت‌ها و افزایش خطر کشف از طریق کنترل محیط و موقعیت‌های پیش‌اجنایی) و «پیشگیری اجتماعی/آموزش‌محور» (کاهش عوامل و زمینه‌های جرم‌زا با تقویت جامعه‌پذیری و حمایت‌های اجتماعی) تمرکز دارد. در ادامه، سازوکارهای اعمال‌شده توسط نهادهای اجتماعی در ایران مورد مذاقه قرار می‌گیرد؛ از جمله نقش قوه قضاییه در چارچوب تکلیف

^۱ این مقاله به عنوان یکی از ۵ مقاله برگزیده دهمین همایش بنیاد علمی قانون یار با عنوان همایش ملی تحقیقات و یافته‌های نوین علمی در حوزه علوم انسانی و فرهنگی (تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷) در دانشگاه آزاد اسلامی دهقان (اصفهان) انتخاب شد.

پیشگیری از جرم، نقش خانواده در نظارت و تربیت اخلاقی و حمایت عاطفی، نقش مدرسه و نهادهای آموزشی در مداخلات زود هنگام، آموزش مهارت‌های امتناعی و سواد رسانه‌ای، نقش رسانه‌های جمعی در آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی، و نیز ظرفیت آموزه‌های اخلاقی و دینی در تقویت خودکنترلی و کنترل اجتماعی غیررسمی. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد پیشگیری مؤثر از تجاوز جنسی مستلزم سیاستی چندلایه و هماهنگ است که با بهره‌گیری توأمان از تدابیر وضعی و اجتماعی، ضمن کاهش فرصت‌های ارتکاب، زمینه‌های بزه‌دیدگی و بزهکاری جنسی را نیز محدود کند و از بزه‌دیدگان و گروه‌های آسیب‌پذیر حمایت افتراقی به عمل آورد.

واژگان کلیدی: تجاوز جنسی، پیشگیری از جرم، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، نهادهای اجتماعی، حقوق ایران

مقدمه

تجاوز جنسی از جمله شدیدترین جرایم علیه تمامیت جسمانی و روانی افراد و یکی از مصادیق برجسته خشونت جنسی است که پیامدهای آن صرفاً به لحظه وقوع جرم محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند در قالب آسیب‌های پایدار روان‌شناختی، اختلال در روابط اجتماعی، تزلزل بنیان خانواده و کاهش احساس امنیت عمومی تداوم یابد. به دلیل ماهیت خاص این جرم، از جمله پنهانی بودن بسیاری از موارد، دشواری اثبات، هراس بزه‌دیده از انگ اجتماعی، و احتمال بزه‌دیدگی ثانویه در فرآیند رسیدگی، اتکای صرف به پاسخ کیفری و مجازات‌محور، به تنهایی

برای کنترل و کاهش آن کافی نیست. از این رو، سیاست جنایی کارآمد در مواجهه با تجاوز جنسی ناگزیر باید در کنار ابزارهای حقوق کیفری، به راهبردهای پیشگیرانه توجه ویژه داشته باشد.

پیشگیری از جرم، به عنوان رویکردی پیشینی و عقلانی، در ادبیات جرم شناسی و سیاست گذاری کیفری جایگاه محوری دارد و در حوزه جرایم جنسی نیز اهمیت آن دوچندان است؛ زیرا پیشگیری می تواند هم از وقوع بزه جلوگیری کند و هم از آثار سنگین بزه دیدگی بر فرد و جامعه بکاهد. در این چارچوب، پیشگیری از تجاوز جنسی معمولاً در دو سطح اصلی بررسی می شود: نخست، پیشگیری وضعی که با مدیریت موقعیت ها، کاهش فرصت های ارتکاب و افزایش احتمال کشف، شرایط جرم را را محدود می سازد؛ و دوم، پیشگیری اجتماعی/آموزش محور که با تمرکز بر عوامل زمینه ساز، تقویت مهارت های فردی و اجتماعی، آموزش، حمایت و اصلاح ساختارهای اجتماعی، احتمال وقوع جرم را در بلندمدت کاهش می دهد.

در حقوق ایران نیز پیشگیری از جرم به عنوان یک تکلیف کلان حکمرانی مورد توجه قرار گرفته و در کنار نقش نهادهای رسمی، نهادهای اجتماعی در شکل دهی به کنترل اجتماعی، جامعه پذیری و کاهش بزه دیدگی نقش تعیین کننده ای دارند. خانواده، مدرسه، رسانه های جمعی، نهادهای تربیتی و فرهنگی و حتی سازوکارهای اخلاقی و دینی، هر یک می توانند در کاهش خطرپذیری، ارتقای آگاهی عمومی، حمایت از گروه های آسیب پذیر و محدودسازی زمینه های وقوع تجاوز جنسی مؤثر باشند. بر این اساس، مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی می کوشد ضمن تبیین جایگاه پیشگیری در سیاست جنایی ایران، سازوکارهای اعمال شده توسط نهادهای اجتماعی را با مداقه بررسی کند و در نهایت، با ارائه جمع بندی و

پیشنهادهای سیاستی، به طراحی یک الگوی چندلایه و هماهنگ برای پیشگیری مؤثر از تجاوز جنسی کمک رساند.

بخش اول: تعریف پیشگیری از جرم

از میان تعاریف اندیشمندان در زمینه پیشگیری از وقوع جرم می توان به موارد گوناگونی اشاره کرد که در بحث تاریخی بیشتر بدان خواهیم پرداخت. از میان اندیشمندان معاصر آقای گسن جرم شناس فرانسوی برای تشخیص اقدامات پیشگیرانه چهار معیار در نظر گرفته است. به نظر وی:

۱- اقدامی پیشگیرانه تلقی می شود که هدف اصلی آن اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرآیندهایی است که در بروز بزه کاری و انحراف نقش تعیین کننده دارند.

۲- اقدام های پیشگیرانه جمعی هستند یعنی مخاطب آنها کل جامعه یا بخش و گروه معینی از جامعه هستند.

۳- اقدام هایی پیشگیرانه خوانده می شوند که قبل از ارتکاب اعمال بزه کارانه یا کجروانه اعمال شوند و نه بعد از ارتکاب آنها.

۴- اقداماتی پیشگیرانه تلقی می شوند که قهر آمیز و سرکوبگر نباشند. (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۲۸)

تعریف پیشگیری از وقوع جرم از نظر اکبلوم عبارت است از:

«کاهش خطر وقوع شدت بالقوه و بی نظمی از طریق مداخله در علل آن»

به نظر «المر اچ جانسون» پیشگیری از جرم بر چهار پدیده مبتنی است:

۱- اینکه عمل زشت، ناهنجار و تقبیح شده‌ای در شرف وقوع باشد

۲- اینکه چنین کاری توسط ادراک و حواس انسان قابل پیش‌بینی باشد

۳- اینکه بیشتر اقدامات پیشگیرانه خارج از مرزهای سیستم عدالت کیفری است

۴- اینکه مداخلات قبل از وقوع عمل مجرمانه انجام شود.

این تعریف از دو جهت مفید است. نخست اینکه پیشگیری از جرم را وابسته به مشارکت جامعه می‌داند و امتیاز دوم این تعریف آن است که جنبه پیش‌بینی‌کننده پیشگیری را پررنگ می‌کند. (زکوی، ۱۳۹۰: ۳۱۲)

تعاریف ارائه شده از سوی سازمان‌ها و اندیشمندان گوناگون هر چند متفاوت است از می‌توان به شاخص‌های مشترکی در هر تعریف دست یافت. برای مثال تلاش در جهت اقداماتی که به کاهش وقوع جرم منجر شود ترجیح‌بند و فصل مشترک بسیاری از تعاریف است. کاهش یا از بین بردن عوامل موثر در وقوع جرم یا یا انگیزه مجرمانه بسته به نوع پیشگیری وضعی یا اجتماعی که بعداً به آن خواهیم پرداخت نیز از جمله خصوصیات مشترک دیگر است. در هر حال منظور آنکه مانند بسیاری از مفاهیم در حوزه علوم انسانی ارائه یک تعریف از پیشگیری از وقوع جرم میسر نیست. واحد پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استرالیا به خوبی به این مهم اشاره داشته است. به نظر واحد مذکور به دلایل متعدد ارائه تعریف از پیشگیری دشوار است. از جمله دلایل این دشواری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- واژه پیشگیری از نظر اصطلاحی معانی متعدد و مفهوم شناوری دارد

۲- شکل ها و تمایز های متفاوتی از پیشگیری از جرم امکان پذیر است. این واژه در سطح بین المللی در سطوح مختلف به کار برده شده و به ندرت ممکن است مفهوم آن ایجاد ابهام کند.

۳- به عنوان یک مفهوم پیشگیری از جرم می تواند بسیاری از مباحث نظری را در بر گیرد و بین جرم شناسان اتفاق نظری درباره ادغام و تلفیق نظریه های مربوط به پیشگیری از جرم وجود ندارد.

۴- تفسیر قابل انعطاف واژه پیشگیری اجازه استفاده از این کلمه را در معانی مختلف می دهد. ۱.

ذکر یک نکته دیگر درباره مفهوم اصطلاحی پیشگیری از وقوع جرم نیز ضروری است و آن اینکه پیشگیری از وقوع جرم به دو گونه عام و خاص نیز تقسیم بندی شده است. بر اساس بینش فراگیر یا تمامیت خواه هر آنچه در زمینه مبارزه با بزه کاری به کار می رود داخل در تعریف پیشگیری است. این نوع نگرش ابتدا در اندیشه انریکو فری پدیدار شد. وی به آزادی اراده در ارتکاب عمل جنایی اعتقاد نداشت. به نظر وی عوامل مختلف فردی و اجتماعی در این زمینه نقش تعیین کننده ای دارد. فری از این بحث دو نتیجه می گرفت. (لطف آبادی، ۱۳۹۰: ۳۹)

۱- تدابیر دفاع فردی که بر مبنای پیشگیری از تکرار و نه سزا دهی استوار است باید جایگزین کیفرهای کلاسیک گردد.

۲- پیشگیری عمومی را باید در تدابیر دفاع جمعی، جایگزین های کیفر، یا هم ارز های کیفر که در جهت حذف یا کاهش عوامل اجتماعی بزه کاری طراحی شده است جستجو کرد و نه از طریق تهدید کیفر فاقد ارزش اربعایی. بنابراین مفهوم مورد نظر فری یک مفهوم فراگیر و تمامیت خواه بوده است. چونکه نه فقط جایگزین های کیفر بلکه تدابیر فردی پیشگیری از تکرار را نیز در بر می گرفت.

این بینش فراگیر و تمامیت خواه از پیشگیری سپس در جنبش دفاع اجتماعی هم دنبال شد. اخیرا نیز این مفهوم را در گزارش ارزیابی از برنامه های پیشگیری آمریکای شمالی که در سال های ۲۰۰۰-۱۹۹۷ به درخواست کنگره آمریکا توسط شرمن و همکارانش در دانشگاه مریلند انجام شد می توان مشاهده کرد. این نویسندگان بر اساس این اندیشه که پیشگیری یک هدف است معتقد بودند که هر وسیله و ابزاری مه برای دستیابی به این هدف به کار گرفته شود باید به عنوان یک ابزار پیشگیرانه مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر اقدام پیشگیرانه هر نو اقدامی است که موجب میزان کاهش جرم در آینده شود. در مقابل مفهوم مضیق پیشگیری از وقوع جرم مطرح شده است. این برداشت که غالبا در ادبیات جرم شناسی مشاهده می شود و البته همیشه با صراحت و روشنی لازم همراه نبوده است. بر این اساس پیشگیری عبارت است از شیوه هایی غیر قهر آمیز که دولت جهت مهار بزه کاری، از طریق حذف یا محدود سازی عوامل جرم زا و نیز از طریق مدیریت مناسب عوامل محیط فیزیکی و اجتماعی که فرصت های مناسب ارتکاب جرم را فراهم می کند به کار می گیرد. در این روش فقط تدابیر قبل از ارتکاب

جرم مورد توجه است. البته مفهوم محدود و مضیق پیشگیری لزوماً جنبه نظری ندارد. (مدنی، ۱۳۹۳: ۱۵۰)

مجموعاً از نظر علمی می‌توان گفت «منظور از پیشگیری هر گونه فعالیت سیاست جنایی است که هدف انحصاری یا جزئی آن، محدود ساختن امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه ممکن ساختن یا دشوار نمودن یا کاهش احتمال وقوع آن است.» (گیدنز، ۱۳۸۹: ۸۳)

در این خصوص می‌توان برای پیشگیری از جرم دو مفهوم موسع و مضیق در نظر گرفت. مطابق مفهوم موسع از پیشگیری از جرم، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شوند. در این تعبیر، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آن به جبران خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز پیشگیری به شمار می‌آیند. لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را در بر می‌گیرد. امروزه مفهوم مضیق پیشگیری از جرم نیز مطرح گردیده است. در این مفهوم پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

بخش دوم: بررسی و شناسایی پیشگیری وضعی از تجاوز جنسی در حقوق ایران

پیشگیری وضعی شامل مجموعه اقدامها و تدابیری است که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم و مهار آن متمایل است. این امر از یک سو از طریق کاهش وضعیت‌های ماقبل بزه کاری جرایم جنسی یعنی وضعیت پیش جنایی که وقوع جرم را مساعد و تسهیل می‌کند

انجام می‌شود و از سوی دیگر با افزایش خطر شناسایی و احتمال دستگیری بزه کاران تجاوز جنسی انجام می‌شود. ب‌نابراین پیشگیری وضعی از جرم تجاوز جنسی بیشتر از آماجهای جرم و نیز بزه دیده گان بالقوه و اعمال تدابیر فنی به دنبال پیشگیری از بزه دیده گی افراد یا آماج ها در برابر بزه کاران جرم های جنسی است که در نهایت به طور غیر مستقیم کاهش بزه کاری نتیجه و اثر آن خواهد بود. در صورتی که پیشگیری اجتماعی در حوزه تجاوز جنسی که با شرح آن اشاره خواهد شد به طور مستقیم در مقام جلوگیری از تبدیل شدن بزه کاران بالقوه به بزه کاران بالفعل است. (محمد نسل، ۱۳۹۷: ۹۳)

هدف از پیش گیری وضعی در زمینه تجاوز جنسی، ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم مرتکب این جرم ها به رغم تصمیم به ارتکاب عمل مجرمانه، از محقق نمودن قصد خود ناتوان گردد. این نوع پیش گیری با سه امر مرتبط است: بزه کار جرایم جنسی، بزه دیده جرم جنسی و اوضاع و احوال و محیط ارتکاب جرم. بزه کار به عنوان محور اصلی جریان وقوع عمل مجرمانه در طول تاریخ هدف مبارزه کیفری علیه پدیده مجرمانه بوده است.

طرفداران این رویکرد از پیشگیری که به «پوزیتیویست یا تحقیقی»^۱ معروف اند مدعی خشکاندن ریشه های جرم از طریق شناسایی علل وقوع جرم و انجام اصلاحات فردی و اجتماعی می باشند. بنابراین مرتکبین جرم افرادی متفاوت از دیگران از نظر ویژه گیهای فردی و اجتماعی تلقی می شوند و همه دارای نوعی اجبار در ارتکاب بزه می باشند که خطرناک ترین یا مجبورترین آنها مجرمین مادرزاد یا بالفطره هستند. (صفاری، بی تا: ۲۷۹)

^۱ Positivist

در این چشم‌انداز کنترل و ابتکار جای مجازات و انفعال را می‌گیرد و با اتخاذ اقدامات متعدد و متناسب با هر هدفی که ممکن است آماج جرم قرار گیرد، سعی در پیشگیری از تجاوز به آن می‌شود. علی‌رغم تصور جاری در چشم‌انداز پیشگیری اجتماعی که مرتکبین دارای نوعی اجبار هستند و وقوع جرم از سوی آنها اجتناب‌ناپذیر بوده و به همین دلیل قابل پیشگیری جز از طریق انهدام عامل موجب آن نیست، در روش وضعی به پیشگیری جرم قابل پیش‌بینی بوده و صرف نظر از اینکه مرتکب تحت تاثیر چه عاملی بوده است از طریق کاهش فرصت‌های ارتکاب و آماج‌های آن با اعمال روش‌های فیزیکی یا تغییر و کنترل موقعیت‌های مناسب برای ارتکاب جرم می‌توان وقوع آن را ممتنع یا خنثی ساخت. بدین طریق از ورود به وادی پیچیده سلسله عوامل متعدد انسانی و اجتماعی جرم و تحلیل برخورد با آنها احتراز می‌گردد، هر چند شناسایی آنها در پیش‌بینی محل، زمان و نحوه ارتکاب جرم می‌تواند تاثیر به‌سزایی داشته باشد. مثال‌های بارز چنین روشی از پیشگیری را می‌توان در تغییر و تعدیل طرح‌های ساختمانی، کنترل محیط و موقعیتی که جرم ممکن است در آن ارتکاب یابد مشاهده کرد. از آنجا که این روش جنبه پراگماتیک دارد لذا سعی شده برای هر جرمی از روش خاصی استفاده گردد و بنابراین این شیوه نگاهی اختصاصی و کلینیکی به پیشگیری دارد (مهر، ۱۳۹۴: ۲۲۹).

به عقیده کلارک پیشگیری وضعی شامل اقدامات و روشهایی است برای کاهش فرصت که :

۱- به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود

۲- متضمن طراحی و مدیریت محیط بلاواسطه یا همان نظارت و تحت نفوذ در آوردن هر چه

پایدار تر و سازمان یافته تر از محل وقوع جرم است

۳- به طوری از زحمات و خطرات ناشی از اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سود حاصله به طوری در نظر اکثر مرتکبین جلوه گر می شود را کاهش می دهد.

به عبارت دیگر می توان گفت پیشگیری وضعی به زبان ساده به این معناست که قبل از جرم باید کاری کرد که مجرم از ارتکاب جرم منصرف شود. بدین منظور گاهی فرصت از مجرم گرفته می شود و در این صورت با اینکه در ذهن فرد زمینه و انگیزه ارتکاب جرم هست اما فرصت و ابزار از وی گرفته می شود. برای ارتکاب جرم اجتماع سه عامل لازم است که به آنها مثلث جرم گفته می شود: انگیزه مجرمانه، فرصت، ابزار جرم. شاخص ترین آنها انگیزه مجرمانه است. انگیزه باعث بیدار شدن میل درونی در افراد و به تبع آن قصد مجرمانه می شود. برای از بین بردن این عامل در شهرستان چادگان ضروری است تدابیر پیشگیرانه اجتماعی اتخاذ گردد. (لطف آبادی، ۱۳۹۰: ۹۲)

بخش سوم: سازوکارهای اعمال شده توسط نهادهای اجتماعی در پیشگیری از تجاوز جنسی

این رهیافت برای کاهش دادن مدت حضور افراد در فعالیت های جنایی و جلوگیری از روی آوردن آنان به اعمال و حرفه مجرمانه است. این رهیافت به دنبال آن است تا علاوه بر افراد، محیط های شخصی و عمومی پیرامون آنان را نیز درگیر نماید تا از تداوم رفتار جنایی افراد در معرض خطر جلوگیری شود. بنابراین پیشگیری اجتماعی از تجاوز جنسی به دنبال آن است تا با مطالعه رفتارهای کودکان و نوجوانان و استفاده مناسب از سازوکارهای حمایتی موجود در محیط هایی مانند خانواده و مدرسه، دانش آموزان مشکل دار را به سوی همنوایی با قواعد اجتماعی سوق دهد. بنابراین هدف در این رهیافت اقدام های زود هنگام، ملاحظه در فرآیند جامعه پذیری افراد از رهگذر نهاد خانواده، آموختن مهارت های اجتماعی به کودکان و

نوجوانان، آموزش آموزگاران و مسئولان مدرسه بوده و در صدد است تا با توانمند سازی، افراد را برای زندگی مطلوب در جامعه آماده نماید. (رجبی پور، ۱۳۹۱: ۹۲)

پیشگیری اجتماعی یا اصلاحی از تجاوز جنسی از طریق اعمال اصلاحات فردی و اجتماعی که زیر بنای اصلی و اساسی روش پیشگیری اجتماعی است. پیروان این نظر که به پوزیتیویست^۱ یا تحقیقی معروف هستند بر این عقیده اند که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم و بر طرف کردن آنها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی مانند درمان بیماریها و نارساییهای جسمی و روحی مرتکبین، بالا بردن ارزشهای اجتماعی و ثبات و وابستگی به آنها، تقویت نهادهای اجتماعی مثل خانواده و مدرسه، توسعه و تعالی فرصتهای اقتصادی، تحصیلی و تفریحی، مسکن و اینها می توان از ایجاد تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد و نهایتاً آنها را از غرق شدن یا کشیده شدن به روش های مجرمانه نجات داد. افتخار این تفکر با تمامی گرایشات در این است که مدعی مبارزه با علت و خشکاندن جرم است. در این روش به رغم وجود زاویه دید کاملاً متفاوت به جرم و مجرمیت، همه جرایم معلول یک سری عوامل شناخته شده فرض شده اند. در این چشم انداز جرم یک رفتار یا عمل ضد اجتماعی نابهنجار و غیر عادی است و مرتکبین جرایم صرفاً افرادی متفاوت از دیگران معرف می شوند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۴) به این بیان که کلیه جرایم توسط عده ای محدود و با خصوصیات و ویژه گیهای شخصی و اجتماعی متفاوت از دیگران ارتکاب می یابد. علاوه بر این ارتکاب جرم توسط این افراد اعملی جزمی و اجتناب ناپذیر بوده و جز از طریق درمان عامل ایجاد کننده جرم قابل پیشگیری نیست، چونکه همه مرتکبین در واقع دارای نوعی اجبار در ارتکاب جرم هستند. به نظر نمی رسد که در تحلیل نهایی این شیوه از چشم انداز کیفر شناختی ارمغان آن برای مرتکبین چیزی

^۱ Positivism

غیر از زندان و زنجیر هر چند در قالبی موجه مثل بیمارستان و آموزشگاه باشد.
(قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۸: ۱۱۰)

همان گونه که از نام این نوع پیشگیری پیداست مجموعه اقدامات و تدابیری است که بر خود فرد تاثیر می گذارد و از این طریق خلاء ها و ناهنجاریهای وی را بر طرف می کند. این تاثیر گذاری از دو جهت صورت می گیرد: از یک سو نحوه تربیت و آموزش فرد را در طول رشد به ویژه در دوران کودکی تحت نظر قرار می دهد تا از شکل گیری خصوصیات مجرمانه در او جلوگیری شود. به همین دلیل این نوع پیشگیری پیشگیری رشد مدار و زودرس نامیده می شود به عبارت دیگر پیشگیری اجتماعی عبارت از مجموعه تدابیر و اقداماتی است که به دنبال حذف یا خنثی کردن علل و عوامل تکوین دهنده و زمینه ساز جرم می باشد. هدف از این پیشگیری سالم سازی جامعه می باشد به گونه ای که هم از وقوع جرم اولیه و هم از تکرار جرم جلوگیری کرد. (عظیم زاده، ۱۳۸۴: ۷۴)

بند اول: نقش نهادهای قضایی

نظارت و کنترل افراد در معرض خطر، می تواند زمینه ها و فرصت ارتکاب جرم را از بین ببرد. عدم نظارت منطقی و معتدل گاهی در شکل بی توجهی و حذف نظارت و گاهی در قالب سخت گیریهای بی مورد و خشن هر دو فراهم کننده زمینه بزهکاری و بزه دیده شدن هستند. طبق بند پنج اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه وظیفه پیشگیری از جرم را بر عهده دارد. نظارت و کنترل توسط نهادهای قضایی که مستقیماً امر پیشگیری و کنترل بزهکاران را بر عهده دارند و اتخاذ تدابیر و اقدامات نظارتی و کنترل صحیح بر روی اقشار جوانان، نقش مهمی در کاهش بزهکاری و بزه دیده شدن جنسی خواهد داشت. بنابراین نهادهای قضایی همچون دادسرا و دادگاه و ستاد حفاظت اجتماعی در فرآیند مراقبت، کنترل و نظارت می توانند ایفای

نقش نموده و در تقویت راهبردهای پیشگیرانه وضعی قابلیت فراوانی خواهند داشت. (گیدنز،

۱۳۸۹: ۳۲۸)

کنترل اجتماعی به معنی مجموعه وسایل و شیوه هایی است که با استفاده از آنها یک گروه یا یک واحد، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعد، ارزشها و حتی آداب و رسوم سوق می دهد و ملزم می کند. به عبارت دیگر نظام کنترل اجتماعی عبارت است از ابزار تامین رفتار مردم در کانال های مقبول و مورد انتظار جامعه؛ کنترل اجتماعی با جریان جامعه پذیری که تامین کننده همنوایی در جامعه است، آغاز می شود. برای همنوایی با جامعه و تنبیه برای فرد منحرف می باشد. نظارت غیررسمی غالباً به وسیله مقامات مسئولین خدمات عمومی، کارمندان شرکتها و گاهی توسط شهروندان عادی صورت می گیرد. به طور کلی به وسیله عموم و گروه های خاص مانند نگهبانان و انتظامات ادارات و سازمان ها و... انجام می گیرد. (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۲)

بزهکاری و بزه دیده شدن جنسی به عنوان یک مسئله اجتماعی باید در عرصه خانواده، مدرسه، محله و همسالان و سایر ارگان ها و موسسات اجماعی که معمولاً جوانان و نوجوانان به نوعی در آنان عضویت دارند بررسی شود. یکی از عوامل مهم ناهنجاری و انحرافات از نظر دورکیم عدم نظارت و کنترل اجتماعی می باشد. وی معتقد است هر گاه نفوذ نظارت کننده جامعه به گرایش های فردی کارایی خود را از دست بدهد و افراد جامعه به حال خود واگذار شوند جامعه به بی هنجاری دچار خواهد شد.

بند دوم: مشارکت نهادهای جامعه

نهادهای جامعه مانند خانواده، مدرسه و سایر نهادهای تربیتی، شاخص ترین نهادها و ابزارهای پیشگیری اجتماعی محسوب می شوند. لیکن در پیشگیری وضعی نیز این نهادها کارکردهای بسیار موثر و بازدارنده به ویژه از طریق نظارت و کنترل خواهند داشت. یکی از ابتکارات و کوشش ها در زمینه پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی و بسیاری از راهبردهای پیشگیری از جرم متضمن پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی است. در این قسمت به نقش نهادهایی مانند خانواده، نهادهای آموزشی و صدا و سیما که در تسریع توسعه اجتماعی و کنترل و نظارت و در نتیجه کاهش ارتکاب فرصت بزهکاری هستند اشاره می شود.

بند سوم: خانواده

خانواده پایه اساسی اجتماع و سلول سازنده زندگی است و در وسیع ترین مفهوم کلمه خاستگاه اعضای خویش پناهگاه آنان است. جامعه شناسان به بزه و تجاوز علیه خانواده را به عنوان یکی از پدیده هایی می نگرند که انسان معاصر در معرض خطرات جدی قرار داده است. (شمعی، ۱۳۹۲: ۸۹) در این میان فروپاشی کانون خانواده در عصر حاضر به یک پدیده عادی بدل شده و به اصطلاح قبح آن از میان رفته است. سردرگمی انسان معاصر و وداع با ریشه ها و بحران هویت از رهاوردهای مدرنیته بی پشتوانه به حساب می آید که البته بیشتر گریبان جوامع در حال توسعه را گرفته است.

مشکلات اقتصادی و مالی خانواده ها به علت تاثیر سویی که بر قدرت نظارت و کنترل خانواده نسبت به فرزندان می گذارد اهمیت بالایی دارد. خانواده های نابسامان و فروپاشیده متغیرهایی مهمی در ایجاد بزه دیده شدن و سرانجام بزهکاری و انحراف جوانان و نوجوانان محسوب می

شوند به طوری که می توان گفت اقدامات و تواناییهای والدین برای تربیت فرزندان به میزان بزهکاری آتی آنان تاثیرگذار است. خانواده های فقیر که درآمد پایینی دارند معمولاً فرزندان خود را از بسیاری از فرصتها و ضرورت های پایه که مبنای نظارت و کنترل آنها به شمار می روند محروم می کند. بدین ترتیب با نبود نظارت و کنترل لازم از سوی خانواده بر فرزندان موقعیت ها و فرصت های بزهکارانه برای جوانان افزایش یافته و یا اینکه اطفال و دختران چنین خانواده ها در معرض بزه دیده شدن جرایم جنسی قرار گیرند که خود از عوامل بزهکاری در دوران بزرگسالی می باشد. (اسدی، ۱۳۹۲: ۲۲۹)

نتایج یک مطالعه محققان حاکی از آن است که بیش از نود درصد از جوانان مرتکب جرایم جنسی مورد مطالعه در زمان کودکی مورد تجاوز قرار گرفته بودند. این پسران در زمان شروع به ارتکاب جرم به طور متوسط دوازده و نیم سال داشته اند؛ بیش از هفتاد کودک تا سن چهارده سالگی به وسیله سی و پنج پسر در هفتاد و پنج مورد مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. علاوه بر مسائل و مطالب فوق والدین و اعضای خانواد بایستی در محیط خانه تا حد امکان عوامل تحریک را که موجب بلوغ زودرس فرزندان می شود را کاهش دهند. مثلاً مراعات اخلاق جنسی در محیط خانه در واقع به منظور کاستن از محرکها و مشوق های جنسی در محیط خانه است چونکه در غیر این صورت علاوه بر الگوبرداری که شاخص ترین خصوصیت دوران کودکی و نوجوانی است فرزندان دچار بلوغ زودرس شده و به انحراف کشیده می شوند. از جمله این آداب و اخلاق جنسی پرهیز از آمیزش در نظرگاه کودکان است. (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۳۰)

بند چهارم: رسانه های جمعی

اگر تمامی وسائل شفاهی، نوشتاری و تصویری را که با گروه کثیری از مردم ارتباط برقرار کرده اند و از طریق آنها اخبار، اطلاعات و نظرات منعکس یا منتشر می شوند. رسانه های گروهی یا وسائل ارتباط جمعی بنامیم، می توانند تقریباً همه رسانه های گروهی را در بر گیرد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۴۷)

نکته حائز اهمیت این است که «رسانه های همگانی»^۱ وسائل فنی انتقال پیام و برقراری ارتباط هستند و این وسائل اگر با استفاده از فناوری و در سطحی نامحدود و برون گروهی صورت گیرد در مقوله رسانه های همگانی جای خواهند گرفت. نکته دیگری که در زمینه رسانه های همگانی باید ذکر گردد و از عبارت آن برمی آید آن است که رسانه های همگانی به ارتباط جمعی و همگانی مربوط می شوند و سایر وسائل که بین چند نفر ارتباط برقرار می کنند همگانی محسوب می شوند. پس باید بین رسانه های همگانی و غیر آن قائل به تفکیک شد. (نظرپور، ۱۳۹۳: ۲۱۸)

این رسانه ها در زمینه پیشگیری وضعی می توانند افکار عمومی جامعه را به نحو دقیق و زیرکانه آگاه نمایند. به طوری که فرصتها را از مجرمان سلب نموده و رفتار مجرمانه را دشوار نمایند. رسانه ها با حساس کردن موضوعاتی از قبیل حجاب، پوشش، وضع زندگی دختران و پسران و خطراتی که آنها را تهدید می کند زمینه ارتکاب تجاوز جنسی را از بین برده و از به دام افتادن و روی آوردن آنها به انحرافات و جرایم جنسی جلوگیری کند. رسانه های جمعی می توانند در جهت کاهش فرصتهای مجرمانه مردم و به ویژه جوانان را از شیوه ها و ترفندهای

^۱ Mass media

بزهکاران آگاه نمایند. بدین ترتیب با استفاده از هشدارهای قضایی و آموزش در این زمینه از امکان فراهم آمدن موقعیت های ارتکاب تجاوز جنسی علیه بزه دیدگان بالقوه به علت عدم آگاهی آنها جلوگیری نمایند.

بند پنجم: مدارس و نهادهای آموزشی

اعلام استقلال برای کودک در شکل ساده و اولیه خود به این شکل بروز می یابد. این گونه رفتارها می تواند یکی از عوامل و زمینه ساز بزه دیدگی کودک در جرایم جنسی باشد. وجود حس استقلال طلبی در کودکان آنان را به این سمت سوق می دهد که در تصمیم گیری که بعضاً ممکن است اشتباه باشد فکر خود را با دیگران در میان نگذارند. این مسئله به ویژه در حوزه جنسی مصداق می یابد. برای مثال هنگامی که یک مجرم به آنان پیشنهاد می دهد که عکس های کامپیوتر خود را برای او ارسال کنند، با وی وعده اینترنتی گذارد، از وی مطالبه وجه یا مال کند و نظایر آن کودکان به طور قطع نیاز به مشورت دارند. در این فضا به علت مخفی بودن کاربران یا امکان و احتمال فریب اشخاص حتی بزرگسالان نیز در موارد زیادی قربانی بوده اند. بنابراین وجود حس استقلال طلبی در کودکان ممکن است آنان را به صورت بالقوه در معرض بزه دیدگی جنسی قرار دهد. (شمعی، ۱۳۹۲: ۳۳۸)

اعمال سیاست خاص آموزشی و نظارت بر رفتارهای جنسی کودکان در مدرسه می تواند به عنوان مجموعه ای از مداخلات پیشگیرانه از طریق توسعه اجتماعی اطلاق گردد که مقامات را به ریشه کن کردن موارد پیشگیری از بزه دیده شدن کودک در این فضا راهنمایی می کند. در این میان اقدامات تنبیهی از قبیل محرومیت یا از دست دادن استفاده از امتیازات، دادن گزارش به والدین، اخراج از مدرسه و دیگر اقدامات لازم برای پیشگیری از بزه دیدگی در حد لازم باید اعمال شود. البته باید توجه داشت که اقدامات به شکل بیش از حد سخت گیرانه شبیه آنچه

در حقوق کیفری آمریکا به « تسامح صفر » معروف شده در نیاید. چونکه هدف سرکوب و ارعاب نیست بلکه مانع شدن از بزه دیدگی کودک هدف اصلی است. نبرد علیه بزه دیدگی اطفال می تواند از طریق موسسات نیروی انسانی انجام شود همچنین ناتوان سازی کودکان محسوب می شود.

بخش چهارم: پیشگیری غیر کیفری از جرایم جنسی در اسلام

بند اول: ایمان به خدا

در آیه ۹۶ سوره اعراف آمده است:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم.

نماز

تاریخ خلقت و سرگذشت پیامبران نشان از ریشه داشتن نماز در اعماق زندگی انسان ها دارد و در قرآن در آیه ۴۰ سوره ابراهیم آمده است:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»

پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر.

در اینجا خداوند از ابراهیم درخواست می کند که لطف خود را شامل حالش گرداند تا خودش و گروهی از ذریه اش به دین تمسک جویند و نماز را به پای دارند.

همچنین در آیه ۴۳ سوره بقره آمده است:

«وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ»

نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.

برخی مفسرین می گویند تعبیر «اقیموا» اشاره به این است که نماز شما تنها اذکار و اوراد نباشد بلکه آن را به طور کامل به پا دارند که شاخص ترین رکن آن توجه قلبی و حضور دل در پیشگاه خدا و تاثیر نماز در روح و جان آدمی است. با هر تفسیری از اقامه نماز مهم این است که نماز در کنار اثر عبادی خود آثار معنوی و مادی برای فرد و جامعه که در این نوشته صرفاً به بخش پیشگیرانه آن اشاره می شود. (رجبی پور، ۱۳۹۱: ۲۸)

در آیات متفاوتی از قرآن کریم عوامل روحی و روانی که موجب انحراف و بزهکاری و به منظور کلی جرم از نظرگاه قرآن می گردد. اشاره شده است خود پرستی، اضطراب، حرص، طمع، جهل و... در این زمره مجسوب می شوند.

در آیه ۲۸ سوره رعد آمده است:

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ اِلَّا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوْبُ

همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد.

در واقع طمانیه و آرامش و جلوگیری از تزلزل و اضطراب و تردید و آرامش باطنی با ذکر و یاد خداوند متعال در همه حالات پیدا می شود. مراد از ذکر الله مطلق توجه انسان به خداست در واقع ایمان به خدا و یاد کردن او موجب آرامش دلها، آسایش خاطر است و در این میان نماز شاخص ترین نقش را ایفا می کند. چرا که در صورت انجام اعمال نمازهای یومیه فقط، انسان دایم در حال ذکر خداوند متعال خواهد بود. برای مثال حریص و بی طاقت بودن انسان در آیه ۱۹ سوره معارج بیان شده است. در آیه ۲۱ سوره معارج چنین آمده است:

«إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا»

چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند.

بند دوم: روزه

در آیه ۱۸۳ سوره بقره آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

«ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزگاری کنید»

آیه صریح است در این که در شریعت های گذشته نیز روزه بوده ولی از این در همه آنها روزه تشریع شده ساکت است. در آیه شریفه علت تشریع روزه «لعلکم تتقون» بیان شده است.

دوری از گناه توسط روزه، پرهیزگاری در اثر روزه، به این دلیل که نیرومندترین وسیله ای است که انسان را از زشتی ها باز می دارد، از آثار روزه اعلام شده است. روزه قطع نظر از زیبایی ها دیگرش یک زور آزمایی و خودشناسی است شخص روزه دار وقتی که دید می

تواند در مدت معینی از همه ضروریات بدن صرف نظر کرده و گرسنه و تشنه بماند می داند که دست کشیدن از محرّمات بر او میسر است. بدین وسیله درهای تقوی و مقاومت در برابر شهوات به روش شخص باز می شود و نیز می تواند خود را به انجام واجبات و مستحبات وا دارد. (قاضی جهانی، ۱۳۹۳: ۲۸)

اثر تربیتی و معنوی روزه از این روست که روزه دار می تواند خوی و غرایزش تعدیل شود و روزه دار باید در حال روزه با وجود گرسنگی و تشنگی از غذا و آب و هم چنین لذّاجنسی چشم پیوشد و عملاً ثابت کند که او همچون حیوان در بند اصطبل و علف نیست و می تواند زمان نفس سرکش را به دست گیرد و بر هوسها و شهوات خود مسلط گردد.

همچنین به لحاظ اثر اجتماعی، روزه یک درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است. با انجام این دستور مذهبی، افراد متمکن هم وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس در می یابند و هم با صرفه جویی در غذای شبانه روزی خود می توانند به کمک آنها بشتابند. البته ممکن است با توصیف حال گرسنگان و محرومان سیران را متوجه حال گرسنگان ساخت ولی اگر این مسئله جنبه حسی و عینی به خود بگیرد اثر دیگری دارد. روزه به این مسئله مهم اجتماعی رنگ حسی می دهد.

بند سوم: امر به معروف و نهی از منکر

ذکر عناوین و مصداق‌های معروف و منکر در قرآن کریم خود نشانگر مسیر هدایت و سعادت و نیز مسیر خروج از صراط مستقیم و راه انحراف از بزهکاری است و نقش پیشگیرانه دارد. در واقع ارتکاب منکر و دوری از معروف‌هایی که در قرآن ذکر شده است صرف نظر از نتایج

خود امر به معروف و نهی از منکر اثر پیشگیرانه، هدایت کننده دارد. این آثار را می توان به لحاظ اجتماعی نیز مورد بررسی قرار داد.

در اصل هشتم قانون اساسی آمده است:

«در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.^۱»

وجود افرادی که متخصص برای امر به معروف و نهی از منکر و اساساً نفس این دو فرضیه از خصوصیات جامعه صالح و افراد صالح جامعه است. همان طور که در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران ذکر شده عاقبت امتی که دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر می کنند رستگاری است.

و نیز در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران به این امر اشاره شده است:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و بیشترشان نافرمانند.

^۱ و المؤمنین و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

همچنین در آیه ۱۱۴ سوره آل عمران آمده است:

«يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»

به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند.

نتیجه‌گیری

در جمع بندی و نتیجه‌گیری پایانی این مقاله فهمیدیم تجاوز جنسی به‌عنوان یکی از شدیدترین اشکال خشونت جنسی، صرفاً یک رفتار مجرمانه فردی نیست، بلکه پدیده‌ای چندعلتی و چندسطحی است که از برهم‌کنش عوامل فردی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و موقعیتی شکل می‌گیرد و آثار آن نیز فراتر از بزه‌دیده، به خانواده و کل جامعه سرایت می‌کند. از این رو، سیاست جنایی کارآمد در حقوق ایران نمی‌تواند تنها بر جرم‌انگاری و تشدید مجازات‌ها تکیه کند؛ زیرا در این دسته از جرایم، دشواری کشف و اثبات، پایین بودن نرخ گزارش‌دهی، ترس از انگ اجتماعی و بزه‌دیدگی ثانویه در فرآیند دادرسی، و نیز امکان تکرار آسیب‌های روانی، موجب می‌شود که پاسخ صرفاً کیفری، به‌تنهایی نقش پیشگیرانه مؤثری نداشته باشد. نتیجه محوری مقاله آن است که پیشگیری از تجاوز جنسی باید در قالب یک سیاست چندلایه، ترکیبی و هماهنگ طراحی شود؛ سیاستی که همزمان از ظرفیت‌های حقوقی، نهادی و اجتماعی بهره‌گیرد. در سطح نظری، مقاله نشان داد که مفهوم پیشگیری از جرم در دو برداشت موسع و مضیق قابل تبیین است؛ اما برای مسئله تجاوز جنسی، آنچه کارآمدتر و واقع‌بینانه‌تر می‌نماید، توجه به پیشگیری مضیق و تدابیر پیشینی و غیرقهرآمیز است؛ هرچند در

مقام اجرا، سازوکارهای کیفری نیز می‌توانند در قالب پیشگیری عام و خاص، نقش مکمل ایفا کنند. بر این اساس، پیشگیری از تجاوز جنسی به دو مسیر اصلی قابل تقسیم است: پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی/آموزش محور. پیشگیری وضعی با مدیریت محیط‌های جرم‌خیز، کاهش فرصت‌های ارتکاب، و افزایش احتمال شناسایی و دستگیری، از وقوع جرم در کوتاه‌مدت می‌کاهد و با تعدیل شرایط پیشا جنایی، تصمیم ارتکاب را برای بزه‌کار پرهزینه‌تر می‌سازد. در مقابل، پیشگیری اجتماعی با مداخله در عوامل ریشه‌ای و زمینه‌ساز (مانند ضعف جامعه‌پذیری، فروپاشی پیوندهای خانوادگی، کمبود آموزش مهارت‌های ارتباطی و امتناعی، فقر آگاهی جنسی سالم، و نابسامانی‌های فرهنگی) به دنبال کاهش احتمال بروز جرم در میان‌مدت و بلندمدت است. نتیجه مقاله این است که هیچ‌یک از این دو مدل به‌تنهایی کافی نیست و راهبرد مؤثر، ترکیب هدفمند آن‌هاست؛ یعنی هم باید «فرصت» را کاهش داد و هم «زمینه» را اصلاح کرد.

در سطح نهادی و اجتماعی، مقاله روشن کرد که پیشگیری از تجاوز جنسی در ایران نیازمند فعال‌سازی هماهنگ مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و غیررسمی است. از یک سو، قوه قضاییه به عنوان نهادی که در چارچوب وظیفه پیشگیری از جرم تعریف شده است، می‌تواند از طریق سامان‌دهی برنامه‌های پیشگیرانه، سیاست‌گذاری هماهنگ با سایر نهادها، ارتقای سازوکارهای حمایتی از بزه‌دیدگان، و کنترل و نظارت متعادل بر افراد یا موقعیت‌های پرخطر، به کاهش فرصت ارتکاب کمک کند. از سوی دیگر، مقاله نشان داد که نهادهای اجتماعی کلاسیک نقش بنیادی‌تری در پیشگیری پایدار دارند: خانواده با ایجاد نظارت، تربیت اخلاقی، حمایت عاطفی و مراقبت از کودکان و نوجوانان، نخستین سد در برابر بزه‌دیدگی و نیز انحرافات رفتاری است؛ مدرسه و نظام آموزشی با مداخلات زودهنگام، آموزش مهارت‌های امتناع،

سواد رسانه‌ای، و ایجاد سازوکارهای مشاوره‌ای، ظرفیت بالایی برای کاهش آسیب‌پذیری دارد؛ رسانه‌های جمعی نیز در سطح آگاهی‌بخشی عمومی، هشداردهی مسئولانه، فرهنگ‌سازی و اصلاح نگرش‌های اجتماعی نسبت به خشونت جنسی، می‌توانند در کاهش فرصت‌ها و تغییر هنجارها اثرگذار باشند. افزون بر این، مقاله بر نقش آموزه‌های اخلاقی و دینی و سازوکارهای کنترل اجتماعی غیررسمی در تقویت خودکنترلی و کاهش رفتارهای پرخطر تأکید کرد، با این شرط که این سازوکارها در عمل به سمت حمایت‌گری، آگاهی‌بخشی و پیشگیری واقعی حرکت کنند و به بازتولید انگ، سرزنش بزه‌دیده یا برخوردهای آسیب‌زا منتهی نشوند.

جمع‌بندی نهایی مقاله آن است که پیشگیری مؤثر از تجاوز جنسی در حقوق ایران، مستلزم یک «نظام پیشگیری جامع» است که دارای ویژگی‌های زیر باشد: چندسطحی (فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای، رسانه‌ای، نهادی)، چندابزاری (وضعی، اجتماعی، حمایتی و در موارد لازم کیفری)، هماهنگ و یکپارچه (با تقسیم کار روشن میان نهادها)، و حمایت‌محور (با محوریت کاهش بزه‌دیدگی و جلوگیری از آسیب‌های ثانویه). در چنین چارچوبی، توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیر و اتخاذ حمایت‌های افتراقی، توسعه مراکز مشاوره و آموزش‌های مهارتی، ارتقای مسئولیت رسانه‌ها، و نیز تدوین قوانین و برنامه‌های جامع حمایتی، می‌تواند به کاهش واقعی نرخ وقوع تجاوز جنسی و افزایش احساس امنیت عمومی منتهی شود. بنابراین، پیام اصلی مقاله این است که پیشگیری از تجاوز جنسی نه پروژه‌ای صرفاً قضایی و نه صرفاً فرهنگی است، بلکه یک مسئولیت مشترک اجتماعی است که تنها با هم‌افزایی نهادهای رسمی و اجتماعی و طراحی سیاست‌های واقع‌بینانه و انسانی، به نتیجه خواهد رسید.

پیشنهادهای محقق

همان گونه که در موارد مختلف ذکر شد برخی از اقشار بشری با توجه به وضعیت و موقعیت خاص خود بیشتر از سایرین در معرض بزه دیده شدن قرار دارند و در معرض بهره کشی در برابر امیال و اعمال مجرمانه هستند لذا به عنوان اشخاص خاص آسیب پذیر تلقی می شوند و بنابراین سیاست جنایی مبارزه با بزه دیده شدن آنان باید به صورت افتراقی باشد. این مسئله درباره بزه دیدگان خشونت جنسی نیز مصداق دارد.

در قالب قوانین و مقررات باید اصلاحاتی در این زمینه صورت گیرد. برای مثال می توان به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ اشاره داشت که در آن می توان با اضافه کرده قیدی به ماده ۴ مانند «سوء استفاده ناشی از غفلت و بی توجهی فاحش و طولانی مدت» جرم انگاری خاص شروع به ارتکاب جرایم موضوع مواد ۳ و ۴ این قانون، تشدید مجازات معاون جرم موضوع مواد ۳ و ۴ قانون ذکر شده را در نظر داشت.

پیشنهاد دیگر این است که سیاست جنایی ایران این است که مثلاً در این حوزه قانونی جامع به تاثیر از سیاست جنایی پویا به تصویب رسد. برای مثال می توان قانونی تحت عنوان قانون جامع حمایت از اشخاص آسیب پذیر جنسی، تصویب نمود. چنین قانونی می تواند جامع و کافی باشد چونکه می تواند تمامی اشکال حمایت اعم از کیفری و پیشگیرانه را در برابر هر گونه رفتارهای خشونت آمیز نسبت به تمامی اشخاص آسیب پذیر در بر گیرد.

همچنین افتراقی و ویژه است چونکه هدف اصلی از پیش بینی این تدابیر حمایت از اشخاص آسیب پذیر و لزوم انطباق کامل تمامی این تدابیر با بزه دیده شدن خاص هر یک از این اشخاص در جرایم جنسی است.

در پایان به نظر می رسد در نظام حقوقی ایران تصویب قانونی راهبردی با الهام از منشور بین المللی بزه دیدگان سازمان ملل متحد ۱۹۸۵ ضروری باشد.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

اسدی، لیلاداد، ۱۳۹۲، حقوق کیفری خانواده، نشر میزان، چاپ اول

بردبار، محمد حسن، ۱۳۹۸، درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی، نشر ققنوس، چاپ دوم

برنهارد شفرز، ۱۳۹۸، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌الله راسخ، نشر نی، چاپ

پنجم

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۵، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ شانزدهم

دلماش، میری مارتی، ۱۳۹۱، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند

آبادی، نشر میزان، چاپ دوم،

رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۹۰، بزه دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ دوم

زکوی، مهدی، ۱۳۹۰، بزه دیدگان خاص در پرتو بزه دیده شناسی حمایتی، نشر مجد، چاپ

اول

شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران، ۱۳۹۴، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی،

نشر میزان، چاپ سوم

شمعی، محمد، ۱۳۹۰، درآمدی بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی، نشر جنگل، چاپ اول

صلاحی، جاوید، ۱۳۹۶، بزه کاری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، چاپ دوم

گسن، ریموند، ۱۳۹۰، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، نشر مترجم، چاپ سوم

گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۴، محشای قانون مجازات اسلامی، نشر مجد، چاپ بیست و هشتم

گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۹، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ چهارم

لطف آبادی، حسین، ۱۳۹۰، رشد جسمی و جنسی در نوجوانی، انتشارات نسل سوم، چاپ دوم

محسنی، منوچهر، ۱۳۹۶، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، نشر طهوری، چاپ دوم

مهر، نسرين، ۱۳۹۴، زن و حقوق کیفری، مجموعه مقالات، نتایج و کارگروه ها و اسناد

نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده، آذر ۱۳۸۳، نشر

سلسبیل، چاپ سوم

نوبهار، رحیم، ۱۳۸۹، اهداف مجازتها در جرایم جنسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

چاپ اول

نوربها، رضا، ۱۳۹۲، زمینه جرم شناسی، نشر گنج دانش، چاپ سوم

ودیع، ساسان، ۱۳۹۱، واقعیت تجاوز جنسی، نشر داستان، چاپ دوم

ب) مقالات

حجازی، سارا، ۱۳۸۴، بلوغ دیر ری، بلوغ زودرس، نشریه پیوند؛ آبان، شماره ۳۱۳

دنيس رز نيام، آرتور لوريسيو و روبرت داويس بی تا، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه رضا

پرویزی، مجله حقوقی دادگستری

رجبی، ابراهیم، ۱۳۸۴، درمانگاه بزه دیده و بزه دیده گی و نقش پلیس در آن، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم

عظیم‌زاده، شادی، ۱۳۸۴، پویایی جلوه های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه دیده خشونت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳

علوی لنگرودی، سید کاظم، ۱۳۸۲، بررسی پدیده بلوغ زودرس، نشریه کاوش، شماره ۵ و ۶
فتاح، عزت، بی تا، آینده جرم شناسی و جرم شناسی آینده، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، نشریه نامه مفید شماره ۱۴

نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۶۵، گرایشهای نو در جرم شناسی انگلیس و آمریکای شمالی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲

نیازی، مجتبی، ۱۳۸۲، نقش ناتوانیهای ویژه یادگیری در بزه دیدگی، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه؛ دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

هدی زادگان، ایران، ۱۳۸۲، ابعاد مختلف آزار سالمندان، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه؛ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان

ج) پایان نامه ها

ابراهیمی، شهرام، ۱۳۸۶، پیشگیری از جرم در تعارض با موازین حقوق بشر، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران

شکرچی زاده، محسن، ۱۳۸۰، مطالعه تطبیقی جرم انگاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

محمودی جانکی، فیروز، ۱۳۸۲، مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران

محمودی جانکی، فیروز، ۱۳۸۲، مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری، پایان نامه دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران

چ) منابع انگلیسی

Akerers roland, labaling theories, chapter ۶, in criminological theories, and ibid

Daniel gilling, crime prevention, theory, policy and politics, university of Plymouth, ۱۹۹۷, p۳۵

Hammersley M (ed) (۱۹۸۶) Case-Studies in Classroom Research, Milton Keynes: Open University Press

The sage dictionary of criminology, sage publications LTD, first published, london, ۲۰۰۱

The sage dictionary of criminology, sage publications LTD, first published, london, ۲۰۰۱

U.S. Dep't of State, Trafficking in Persons Report ۳۷, ۴۴ (۲۰۱۲), available <http://www.state.gov/j/tip/rls/tiprpt/۲۰۱۲/index.htm>.